



ISSN:2588-7033



An Analysis of the Sa'dian government's crisis management at Wadi al-Makhazin (Alcácer) (985 AH /1578 CE)

Mohammad Hassan Behnamfar^{a*}, Yaqub Tabesh^b

^a Assistant Professor, Department of Islamic Teachings, Higher Education Complex of Esfarayen, North, Iran

^b Associate Professor of History, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Khorasan Razavi, Iran

KEYWORDS

Sa'dian, Alcazar, Morocco, Europe, crisis management

Received: 18 September 2025;
Accepted: 18 May 2026

Article type: Research Paper
DOR:10.22034/hsow.2026.2072090.1638

ABSTRACT

Morocco went through an important period in its history in the 16th century. The location of this land between major communication, trade, and emerging European powers added to its importance. At that time, Portugal and Spain took advantage of the weakness of the Islamic states and gained control over many regions. Meanwhile, the Sa'dian government succeeded in establishing itself in the Islamic Morocco with the help of Sufi thought and the legitimacy of Shorafa. Amidst succession disputes and family feuds, they fought a key battle called "Alcazar" with the European powers. This research, with a descriptive-analytical approach, seeks to answer two main questions: How did the Sa'dian government, considering the internal challenge, confront the European alliance? Also, what were the consequences of this confrontation for the Sa'dian governments and Ahmad al-Mansur? By examining the sources, it seems that the Sa'dian, using the power of the Shorafa and Sufis, successfully revived themselves in the chaotic conditions of the Maghreb. They succeeded in pushing aside political rivals and standing up well against the European coalition. Undoubtedly, this success was due to the adoption of effective military strategies and tactics by political leaders, as well as the nature of the intellectual system of the Sa'dian government.

* Corresponding author.

E-mail address: behnamfarb@gmail.com





واکاوی مدیریت بحران دولت سعدیون در وادی المخازن (آلکازار) (۹۸۵ق/ ۱۵۷۸م)

محمدحسن بهنام‌فر الف*، یعقوب تابش ب

الف استادیار، عضو هیئت علمی مجتمع آموزش عالی اسفراین، گروه معارف اسلامی، اسفراین، خراسان شمالی، ایران، behnamfarb@gmail.com
ب دانشیار، عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، خراسان رضوی، ایران، ytabesh5@yahoo.com

چکیده	واژگان کلیدی
مراکش در قرن شانزدهم میلادی، دوران مهمی از تاریخ خود را پشت سر گذاشت، موقعیت این سرزمین بین مناطق بزرگ ارتباطی، تجاری و قدرت‌های نوظهور اروپایی بر اهمیت آن می‌افزود. در آن زمان پرتغال و اسپانیا از ضعف دولت‌های اسلامی سود جستند و بر مناطق زیادی تسلط پیدا کرده بودند. در این میان دولت سعدیون موفق شد با کمک اندیشه متصوفانه و مشروعیت شرفا، بر مغرب اسلامی استقرار یابد. در میانه اختلافات جانشینی و نزاع‌های خانوادگی، نبردی مهم و کلیدی به نام «وادی المخازن» با قدرت‌های اروپایی داشتند. این پژوهش با رویکردی توصیفی - تحلیلی به دنبال آن است پاسخ دهد که دولت سعدیون با توجه به چالش داخلی، چگونه به تقابل با اتحاد اروپاییان پرداخت؟ همچنین چه نتایجی پس از آن برای دولت سعدیون و احمدالمنصور به جا گذاشت؟ با بررسی منابع چنین به نظر می‌رسد از آنجا که سعدیون، با استفاده از قدرت شرفا و طریقت‌های صوفیانه به خوبی خود را در شرایط نابسامان مغرب احیا کردند. آنها موفق شدند، رقبای سیاسی را کنار زده و در برابر ائتلاف اروپاییان به خوبی قدم کنند. بدون شک این موفقیت، مرهون اتخاذ راهبردها و تاکتیک‌های نظامی موثر رهبران سیاسی و همچنین ماهیت نظام فکری دولت سعدیون بوده است.	سعدیون، وادی المخازن، مغرب، اروپا، مدیریت بحران
	تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۸ مقاله علمی پژوهشی

مقدمه

انسان از ابتدا با شرایطی همراه بوده که گاه نظم و ساختار را دچار آشفتگی و بهم‌ریختگی می‌کرده است. بحران‌های طبیعی چون قحطی، خشکسالی، سیل، زلزله، شیوع بیماری‌ها و سپس جنگ‌ها از جمله مواردی است که شرایط عادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و برای مقابله با آن نیاز به تصمیم‌گیری و سرعت عمل بوده است. شرایطی که امروزه با عنوان «مدیریت بحران»^۱ شناخته می‌شود. بنا بر تعاریفی که وجود دارد، هر زمانی که جامعه‌ای در هر زمینه‌ای از حالت تعادل و نظم عادی خارج شده و دچار آشفتگی و بی‌نظمی شود، وضعیت بحرانی حاکم می‌گردد. در تحولات تاریخی و اتفاقات سیاسی هر دوره و سرزمینی، شرایطی شکل می‌گرفته که دلالت بر وضعیت بحرانی در اثر جنگ بوده و نیاز به مدیریت و برنامه‌ریزی ویژه داشته است. در واقع مدیریت بحران، علم و هنر برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت و رهبری به صورت یکپارچه، جامع و هماهنگ است که با بهره‌گیری از ابزارهای در اختیار، تلاش می‌کند خطرات ناشی از بحران‌های گوناگون را براساس مراحل مختلف بحران کنترل کند (احمدی، ۱۳۸۵: ۱۷).

دولت‌ها و سرزمین‌ها در اثر تحولات تاریخی، همواره با شرایط بحرانی همراه بوده‌اند، در این میان سیاست‌ها و تصمیماتی صورت گرفته که توانسته است شرایط را از بحران خارج کند. از جمله این تحولات، دوره سعدیون در تاریخ شمال آفریقا و مغرب بوده است.

1. Crisis Management

با کنار رفتن دولت موحدون (۵۱۵-۶۶۷ق/۱۱۲۲-۱۲۶۹م)، برای مدتی طولانی یکپارچگی در شمال آفریقا از بین رفت و دولت‌های محلی و قبیله‌ای با یکدیگر رقابت می‌کردند. بنی مرین (۶۱۴-۸۶۹ق/۱۲۱۷-۱۴۶۵م) که از مهمترین خاندان بربرهای زُناتة بودند، در فاس با ادعای ارتباط با سادات (شرفا) حاکمیت خود را تثبیت کردند (نبیل ملین، ۲۰۱۳: ۲۱-۲۰). اما چندی نگذشت که رقابت‌های داخلی و درگیری با دولت‌های خارجی از جمله پرتغالی‌ها عامل مهم تضعیف بنی مرین گشت (الحلل الموشیة، ۱۹۷۹: ۱۸۲-۱۷۸؛ ابن احمر، ۱۹۹۲: ۴۷؛ ابن خلدون، ۱۹۵۹: ۷/۳۴۵؛ حرکات، ۲۰۰۰: ۲/۵۰-۳۰). تلاش‌های بنی و طاس (۸۳۱-۹۶۱/۱۴۲۸-۱۵۵۴م) و گروه‌های دیگر قبایل زناتة بربر نتوانست، حاکمیتی مقتدر در برابر تجاوزات پرتغالی‌ها ایجاد کند، در همین زمان نیز تحولات جدیدی رقم خورد و کشورهای اروپایی به دنبال کشفیات جغرافیایی و سفر به سرزمین‌های جدید بودند (کریم، ۱۹۷۸: ۳-۶؛ لاپیدوس، ۱۳۷۶: ۲/۵۲۶-۵۲۷). در این میان جنبش متصوفانه در مغرب در قالب گروه‌های محلی و در سایه رهبری صوفیه، ائتلاف‌های قبیله‌ای را شکل داده و موفق شدند، ساختار سیاسی جدیدی با عنوان «شرفا» ایجاد کنند. از مهمترین شرفای مغرب شرفای حَسَنی بودند و در تاریخ مغرب و صحرای غربی نقش چشمگیری ایفا کردند، نه فقط به سبب تعداد بلکه به دلیل بوجود آوردن دولت‌هایی چون ادریسیان (۱۷۲-۳۷۵ق/۷۸۹-۹۸۵م) و در سده‌های بعد سلسله سَعدیون (۹۶۱-۱۰۶۹ق/۱۵۵۴-۱۶۵۰م) و علویون (۱۰۷۶ق/۱۶۶۶م تا کنون) در مراکش قدرت را حفظ کرده‌اند. در دوره‌ای که دولت سَعدیون حاکمیت پیدا کرد، شرایط حاکم در ساختار داخلی قدرت سیاسی و ساختار خارجی در وضعیت غیرعادی و ویژه بود، نزاع خانوادگی درون حکومتی از یک طرف و تقابل با دولت‌های متعدد اروپایی از طرف دیگر برای دولت سَعدیون تبدیل به بحران شده بود. بر این اساس سَعدیون به منظور استقرار و تداوم قدرت سیاسی خود در شرایطی خاص و با توجه به چالش‌های موجود از جمله مدعیان سیاسی و واکنش دولتهای مسیحی، اقدام به مدیریت بحران کرده و بر آن اساس موفق شدند در نبرد مهم وادی المخازن به خوبی از شرایط گذر کنند.

آنچه از زاویه این پژوهش مهم به نظر می‌رسد؛ با توجه به چالش‌های متعدد با اروپاییان و مسائل داخلی، تبیین مدیریت بحران دولت سَعدیون در وادی المخازن است. مسئله اصلی آن است که با توجه به شرایط ایجاد شده در منطقه مغرب، سَعدیون، چه تدابیر و واکنش‌هایی برای مواجهه با اروپاییان و پرتغالی‌ها در نظر گرفتند؟ با بررسی منابع موجود چنین به نظر می‌رسد که احمدالمنصور به عنوان یکی از بزرگترین امرای این دولت، موفق شد با مدیریت بحران از شرایط حساس داخلی و منطقه‌ای عبور کرده و از درخشانترین دوره‌های تاریخ مغرب اسلامی را رقم بزند.

رویکرد پژوهشی در این تحقیق، پس از توصیف حوادث، تحلیل تاریخی با استفاده از منابع تاریخی و کتابخانه‌ای بوده است. بدین ترتیب که در مرحله نخست، اطلاعات مورد نیاز به صورت کتابخانه‌ای تهیه و سپس با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع تاریخی، ارزیابی حوادث مرتبط با وادی المخازن انجام شده و همچنین در تحلیل مطالب از مبانی نظری مدیریت بحران کمک گرفته شده است. مدیریت بحران را به عنوان واکنشی برنامه‌ریزی شده و پیش‌نگرانه، قبل از وقوع، در حین وقوع و پس از وقوع حادثه به منظور کاهش هرچه بیشتر آثار و عوارض آن تعریف کرده‌اند. برای اینکه میزان اثرگذاری شاخصه‌های اصلی بر فرآیند مدیریت پدیده بحران مورد مطالعه قرار گیرد، مدل‌های مدیریت بحران مطرح شده است. در این ارتباط بر اساس آنچه پژوهش حاضر بر آن تأکید داشته، مدل مدیریت بحران فینک^۱ مورد استفاده قرار گرفته است. این مدل از چهار مرحله «شناسایی اولیه»، «مرحله حاد»، «مرحله مزمن»، و «مرحله تجزیه و تحلیل» تشکیل می‌شود. هر کدام از مراحل ویژگی‌های خود را دارد. نقش مدیریت در مرحله اول پیشگیرانه بوده و در مرحله دوم موقعیتی است که پدیده بحران به وقوع پیوسته و نیاز به برنامه ریزی منظمی داشته است. در مرحله سوم مربوط به

1. Steven Fink, (1986), Crisis Management: Planning for the Inevitable, American Management Association.

تأثیرات و نتایج نهایی پدیده بحران بر ساختار اساسی گفته می‌شود. در واقع این مرحله اقدامات پس از بحران را در بر می‌گیرد و انتظار می‌رود که آثار ناشی از بحران به حداقل برسد. در مرحله نهایی از مدل فینک بحران کاملاً برطرف شده و بنابراین ضروری است مورد مطالعه و تحلیل قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

متأسفانه در تحقیقات فارسی بسیار با کمبود پژوهش مواجه هستیم. خانم دکتر لیلا خان احمدی در این حوزه فعال بوده و تحقیقاتی به زبان عربی انجام داده است که بیشتر تأکید بر تصوف و مبانی شکل‌گیری شرفاء می‌باشد.^۱ این تحقیقات علی‌رغم اینکه بنیادین به مبانی تشکیل حکومت شرفا پرداخته اما در خصوص نبرد وادی المخازن، مدیریت بحران در نبرد و تقابل با اروپاییان، اشاره‌ای نداشته و از این جهت پژوهش حاضر متفاوت با آن می‌باشد. در تحقیقات دیگران کارهای خوبی می‌توان مورد مطالعه قرار داد. شوقی ابوخلیل در کتابی ویژه، تحولات منجر به این نبرد را مورد واکاوی قرار داده است.^۲ این کتاب اگرچه با بررسی منابع و گزارشات فراوان، به نبرد پرداخته، اما از منظر مدیریت بحران و شرایط خروج دولت سعدیون، اشاره‌ای در آن دیده نمی‌شود و از این جهت، پژوهش حاضر به آن پرداخته است. از جمله افرادی که در این حوزه تحقیقات ارزشمندی دارد، زین العابدین زریوح می‌باشد.^۳ زریوح در این مقالات با دقت و ظرافت خاصی روایت‌های متعدد نبرد و حتی موارد ذهنی و تصورات طرفین را مورد تحلیل قرار داده اما به طور مشخص به شیوه خروج بحران دولت سعدیون نپرداخته است. همچنین صالح بوسلیم و زینب جعنی^۴، در این خصوص پژوهشی داشته‌اند و E.W. Bovill کتاب مفیدی را به رشته تحریر درآورده است.^۵ اکثر این تحقیقات در مقایسه با پژوهش حاضر، به روایت‌های نبرد اکتفا کرده و بیشتر حوادث را توضیح داده‌اند. بنابراین آنچه بیشتر این تحقیق را به نسبت بقیه مجزا می‌کند، تأکید بر مدیریت بحران و مبانی نظری آن است. اینکه چطور سعدیون از شرایط سخت وادی المخازن گذر کردند، مسئله اصلی این پژوهش است. آنچه در پژوهش حاضر مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته، تحلیل زوایای خروج بحران دولت سعدیون در تحولات قرن دهم هجری/ شانزدهم میلادی بوده است.

۱. سعدیون از ظهور تا وادی المخازن

۱.۱. قدرت‌گیری

دولت سعدیون موفق شدند از شرایط نابسامان مغرب قرون ۱۰ هجری/ ۱۵ میلادی، سود جسته و حاکمیت خود را تثبیت کنند. تکاپوی اروپاییان در دستیابی به منابع مالی و راههای تجاری، تضعیف قبایل مغرب و رقابت حکومت‌های محلی از جمله مسائل

۱. مجله آفاق الحضاره الاسلامیه، « دور الطرق الصوفیه فی إحياء سلطه الشرفاء فی المغرب الإسلامی فی القرن العاشر الهجری » الربیع و الصیف ۱۴۴۴، العدد ۵۱، ۹۵-۱۱۴؛ مجله دراسات فی العلوم الانسانیه، «المهدویه و دورها فی تاسیس سلطه الشرفاء(السعدیین و العلویین) فی المغرب الاسلامی، دوره ۱۹، سال ۱۴۳۳، شماره ۱، ۱۲۷-۱۳۸.

۲. ابوخلیل، شوقی (۱۹۹۳). *وادی المخازن معركة الملوك الثلاثة*، دمشق: دارالفکر.

۳. زریوح، زین العابدین، (۲۰۲۰). «ذکره وادی المخازن ۱۵۷۸م بین المصادر المحليه و الاجنبیه» مجله روی تاریخیه الابحاث و الدراسات، المجلد الاول، العدد الاول./ زریوح، زین العابدین (۲۰۲۳). «الجانب الذهبی لوقعه وادی المخازن ۱۵۷۸ م مساهمة فی دراسه عقليات اطراف المعركة»، مجله هیروودت للعلوم الانسانیه و الاجتماعی، المجلد ۷، العدد ۲۵، ۲۹۷-۳۰۵.

۴. بوسلیم، صالح، جعنی، زینب (۲۰۰۲). «الواقع السیاسی للمغرب الاقصى خلال العصر السعدی الاول»، مجله روافد للبحوث و الدراسات، المجلد ۷، العدد ۰۲، ۱۲۵-۱۴۶.

۵. E. W. Bovill, (1952). *The Battle of Alcazar*, Batchworth Press.

مهم در آستانه قدرت‌گیری سعدیون به حساب می‌آمد. آنچه در این شرایط توانست اوضاع را به دست گیرد و در حیات اجتماعی مردم نقش ایفا کند، اتصال سعدیون به شرفا و استمداد از اندیشه متصوفانه بود که به لحاظ روانی نیز بسیار کارساز می‌شد. اگرچه صوفیان آن دوره همه از شرفا نبودند، اما در پیشبرد گفتمان سیاسی سعدیون کمک کردند. ابوالعباس أعرَج سعدی از اولین امرای این سلسله با رسیدن به قدرت، خود را با صوفیان جزولی^۱ همراه کرد (ناصری، ۱۹۵۵: ۵/۲۱-۱۹؛ هلالی، ۲۰۰۱: ۲/۹۰؛ غنیمی، ۱۹۹۴: ۵/۳۹). مشایخ فرقه جزولیه از منطقه سوس از میان قبایل، نیروهای نظامی را به خدمت گرفتند، بودجه لازم برای تسلیح آن‌ها را سازمان دادند، به نفع سعدیان تبلیغ کردند و در کنار آن‌ها در جنگ شرکت کردند. ابوالمَحاسِن یوسف الفاسی، شیخ شاذلیه، در نبرد وادی المخازن در کنار عبدالملک جنگید تا حمایت فرقه‌اش را در برابر ادعاهای رقیبش بر تاج و تخت نشان دهد (Garcia Arenal: 2009, 17). تصوف در فضای فکری شمال آفریقا جاری و ساری بود و به همین دلیل، پدیده «شریف‌گرایی» را تسهیل کرد. «شرفاء» که همان جایگاه «سید» در شرق جهان اسلام را داشته، افرادی بودند که ادعا می‌کردند از نسل پیامبر (ص) هستند و در نتیجه از وجهه، جایگاه و برتری اجتماعی برخوردار بودند. تصوف مغرب با استقرار در زاویه‌ها و روابطها علاوه بر کارکرد دینی، به رویکردی سیاسی نیز متمایل گشت. در این زمان به سبب فقدان و ضعف حاکمیت سیاسی یکپارچه، زاویه‌ها در برابر حملات اروپاییان نقش آفرینی داشتند. اولین امرای سعدیون با حمایت شیوخ متصوفه به نبرد با پرتغالی‌های رفتند و تقابل با اروپاییان از جمله حساس‌ترین تحولات آن دوره تاریخی بوده است. با این وجود، شاخصه اصلی این دوران اختلافات داخلی و درگیری مدعیان سیاسی بوده است. سعدیون توانستند با به کارگیری مدیریت بحران هم وضعیت داخلی خود را سامان دهند و هم به یکی از مهمترین نبردهای آن عصر پردازند. در مدل فرآیندی مدیریت بحران فینک در مرحله ابتدایی، قبل از بحران و اقدامات پیشگیرانه یا پیش‌بینی شونده برای کاهش خطرات ناشی از آن شامل می‌شود. مدیریت صحیح بحران، به معنای آمادگی داشتن برای یک رویداد است و اینکه آن را در کنترل قرار داد. شرایط ساختاری هر جامعه و نحوه ارتباط و مناسبات افراد و کانون‌های اجتماعی متناسب با شرایط یک جامعه، بسیار در مدیریت صحیح و سرعت عمل موثر باشد. سعدیون قبل از مقابله با اروپاییان در ابتدا به مسائل داخلی پرداختند. انسجام فکری و ارتباط با صوفیان از جمله اقداماتی بوده که آنها را برای رویارویی با بحران اصلی به آمادگی می‌رساند.

۲.۱. بحران جانشینی

دولت سعدیون با گفتمان دینی حاکمیت خود را در مغرب تثبیت کردند، اما در عین حال آنچه باعث تضعیف آنها گشت، مشکلات و دشواری‌هایی بود که به نوعی به ساختار سیاسی آنها مرتبط می‌شد. مسئله نزاع قدرت و درگیری‌های داخلی از ابتدای حکومت آنها نمود و در طول حاکمیت این سلسله وجود داشت. ابوالعباس أعرَج با برادرش محمد اصغر دچار اختلاف شد و این اختلافات آنها را به درگیری داخلی کشاند (قادری، ۱۹۷۷: ۱/۴۵؛ ناصری، ۱۹۵۵: ۵/۲۳؛ افرانی، ۱۹۹۸: ۲۲؛ تاریخ الدولة السعدیه، ۱۹۹۴: ۳۳-۳۲؛ کریم، ۱۹۷۸: ۶۷). محمد اصغر معروف به محمد الشیخ چون قدرت را به دست گرفت، با ترمز برادرزاده خود، زیدان بن أعرَج

^۱ جزولیه، یکی از طریقه‌های مهم و تأثیرگذار صوفیه در مغرب، منسوب به ابوعبدالله بن سلیمان جزولی (د ۸۶۹ یا ۸۷۰ ق / ۱۴۶۵ یا ۱۴۶۶ م). طریقه جزولیه، که ادامه طریقه شاذلیه در مغرب به شمار می‌آید، پیرامون شخصیت و تعالیم صوفی نامدار مغربی، ابوعبدالله محمد بن سلیمان جزولی شکل گرفت و بیش از هر چیز بر محورهای چون تابعیت مطلق از شیخ، صلوات بر پیامبر (ص) به عنوان مهم‌ترین ذکر، و مبارزه با دشمنان اسلام و کافران متمرکز بود. تأکید بر این محورهای تردید در تعالیم و اقوال شخص جزولی ریشه داشت که در سخنانش بر پیروی بی‌چون و چرا از شیخ اصرار می‌ورزید و خود را وارث پیامبر (ص)، و مجدد دوران خود می‌شمرد و مبارزه با دشمنان اسلام را بر پیروانش فرض می‌دانست. دوران شکل‌گیری طریقه جزولیه که به دوره زندگی جزولی در سده ۹ ق / ۱۵ م آغاز می‌شود، یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ سرزمین مغرب، و همراه با تحولات و رویدادهای سیاسی و اجتماعی خاص بود (نگ به؛ لاجوردی، فاطمه؛ دایره المعارف بزرگ اسلامی، جزولیه).

همراه شد و با اقداماتی جلوی او را گرفت (افرانی، ۱۹۹۸: ۲۳؛ حرکات، ۲۰۰۰: ۲/۲۴۷-۲۴۶). محمدالشیخ همچنان خلافت عثمانی را به رسمیت نشناخت و با آنها به دشمنی پرداخت (حرکات، ۱۹۸۷: ۵۶) چندی نگذشت که محمدالشیخ توسط توطئه دولت عثمانی در سوس به قتل رسید (قادری، ۱۹۷۷: ۱/۱۱۴-۱۱۳؛ حرکات، ۲۰۰۰: ۲/۲۴۷؛ کریم، ۱۹۷۸: ۸۲-۷۵) ابومحمد غالب پسر محمدالشیخ قدرت را به دست گرفت و در نخستین گام، عموی خود اعرج را به همراه خانواده اش به قتل رساند. ابومحمد غالب در سال ۹۸۱ق/۱۵۷۳م بر اثر بیماری درگذشت و حاکمیت به فرزندش محمد المتوکل سپرد. حاکم جدید به سبب ظلم و ستمی که به مردم می کرد، مَسْلُوخ ملقب شد (افرانی، ۱۹۹۸: ۵۷-۵۶؛ حرکات، ۲۰۰۰: ۲/۲۵۷-۲۵۴؛ کریم، ۱۹۷۸: ۹۷-۸۸). از مشکلات خاص متوکل این بود که دو مخالف سرسخت خانوادگی علیه او متحد شده بودند. عبدالملک و احمد که پناهنده عثمانی شده و به دنبال کمک بودند تا به قدرت مراکش برگردند (عمران بن عامر السعدی، ۱۹۸۱: ۲۰۸). در این شرایط، بحران دولت سعدی به اوج خود رسیده بود. حضور عثمانی در الجزائر که در نزاع های داخلی نقش آفرینی داشت؛ عبدالملک و احمد، پناهندگان سعدی با حمایت عثمانیان و کمک حاکم الجزائر به مقابله با متوکل پرداختند (Diego de Haedo, 1881: 161). متوکل در جریان نبرد شکست خورد (خالد ناصری، ۱۹۵۵: ۵/۶۴) و از ترس پناهنده دشمن اصلی سعدیون، پادشاه پرتغال شد. همین امر یکی از دلایل اصلی نبرد معروف وادی المخازن محسوب می شد (افرانی، ۱۹۹۸: ۶۰-۵۹؛ حرکات، ۲۰۰۰: ۲/۲۵۷-۲۵۸؛ کریم، ۱۹۷۸: ۹۸).

دولت سعدیون در این مرحله که در واقع مرحله حین بحران و «حاد» از مدل فینک به شمار می رفت، به واکنش با آن پرداختند. فعالیت و عملکردهایی که برای رویارویی و کنترل بحران واقع شده و دامنه آن را محدود می کرد. در دوره عبدالملک نبرد معروف وادی المخازن رخ داد، این درحالی بود که نیروهای پرتغالی محمدالمتوکل را با خود همراه داشتند. از این جهت شرایط سیاسی نبرد و اوضاع دولت سعدیون به نحوی رقم خورد که یکی از بحرانی ترین زمان های خود را سپری می کرد. در این میان تدابیر و برنامه های فردی از خاندان سعدی به نام احمد توانست بحران را مدیریت کرده و اوضاع را به نفع مراکشی ها پایان دهد. مخفی نگه داشتن مرگ سلطان سعدی که رهبری نبرد را در دست داشت، یکی از نکات اصلی آن است. ساماندهی نیروها و جمع آوری اطلاعات، نشان از سرعت، هوشمندی، خلاقیت و موقع سنجی سلطان احمد داشت. برنامه ریزی فرآیندی مستمر است و با تجزیه و تحلیل و همچنین عملیات قابل اجرا تعیین می شود. بازیابی و سازماندهی به همراه مدیریت نیروی انسانی از جمله اقداماتی بود که احمد توانست هم در جریان نبرد و هم پس از آن بحران را مدیریت کند که مرحله سوم یعنی «مزمَن» را هم شامل می شد.

مدیریت بحران در وادی المخازن

۱.۲. بازیگران اصلی

نبرد وادی المخازن به سبب شرایط حساس منطقه مدیترانه و غرب جهان اسلام، دولت های مختلفی را درگیر ماجرا کرد و از این جهت اهمیت بسزایی دارد. حضور سعدیون و حاکمیت یافتن بر مغرب بعد از مدتی، اتحاد سرزمین های اسلامی برابر اهداف توسعه-طلبانه پرتغالی ها و اسپانیایی ها را شکل داد. همچنین ماجراجویی عثمانیان در شمال آفریقا با حضور دولت سعدیون با چالش مواجه شد. اسپانیایی ها که موفق شده بودند از ضعف قدرت شمال آفریقا سود جسته و بر مناطق وسیعی از مراکش، الجزائر، تونس و لیبی احاطه و سواحل را در اختیار بگیرند، در مقابل عثمانیان برای تصرف بر حوزه مدیترانه و راه های دریایی علی رغم شکست در نبرد لپانتو (۹۷۸ق/۱۵۷۱م) (فرید بک، ۲۰۰۹: ۱۱۱؛ کتانی، ۲۰۰۵: ۱/۹۴) باز هم از اهداف جاه طلبانه خود دست نکشیدند و بر

الجزائر و مراکش سوق پیدا کردند. عثمانیان با واگذاری منصب بیگلربیگی به دنبال نفوذ و گسترش خود بودند. پرتغالی‌ها نیز به دنبال تلافی جویی حملات مغربی‌ها بودند (الجمل شوقی، ۱۹۷۷: ۳۶)، حملاتی که در زمان یوحنا سوم (۹۶۴-۹۲۷ق/۱۵۵۷-۱۵۲۱م) رخ داده بود و مجبور شده بودند از شهرهای مهم آسفی، اسیلا و دیگر بنادر مغرب عقب نشینی کنند (صلابی، ۲۰۰۱: ۱/۲۶۰). پادشاه جدید پرتغال، دون سباستین (حک: ۹۸۵-۹۶۴ق/۱۵۷۸-۱۵۵۷م)، نوه و جانشین پادشاه بزرگ دون ژواو سوم^۱ بود که پسرانش در جوانی مردند به جز پدر سباستین، که با خواهر فیلیپ دوم ازدواج کرد. پدر سباستین چند هفته قبل از تولد پسرش فوت کرد و پس از تولد، مادرش او را به مادر شوهر خود، ملکه کاتالینا، سپرد و به اسپانیا بازگشت (نکروف، ۱۹۸۷: ۲۶). سباستین جوان تا زمان مرگ کاتالینا در سال ۹۷۵ق/۱۵۶۸م توسط مادر بزرگ و عموی بزرگش، کاردینال دون هنریک^۲، بزرگ شد (Garcia, 2009, 12). سباستین همواره به دنبال آن بود تا به بنادر مغرب وارد شده و شکست قبلی پرتغالی‌ها را جبران کند. او چون به قدرت دست یافت، قصد حمله و اشغال مراکش را داشت (صلابی، ۲۰۰۱: ۱/۲۶۱). رویکرد از داخل پرتغال نسبت به تصمیم پادشاه جوان مناسب نبود و او را فاقد تجربه و اندیشه سیاسی می‌پنداشتند و تصمیم او برای حمله به مراکش خطرناک قلمداد شد (Godard, 1860: 47). با گذشت زمان، طومارهای زیادی به پادشاه سباستین رسید تا او را از شروع لشکرکشی که برای آن آماده می‌شد، بازدارد (Charles, 1914: 85)، اشراف و بزرگان پرتغال که با ایده حمله به مراکش مخالف بودند، کاردینال هنری را مأمور کردند تا با خواستگاری به شاه سباستین نزدیک شود، شاید او به نصیحت آنها گوش دهد و از این حمله صرف نظر کند (یونس نکروف، ۱۹۸۷: ۷۶). در این شرایط، که پادشاه پرتغال در حال آماده‌سازی لشکرکشی خود به طنجه بود، سلطان ابو محمد غالب؛ امیر سعدیون در شوال ۹۸۲ق/۱۵۷۴م درگذشت (تاریخ الدوله السعدیه، ۱۹۹۴: ۴۲). دوران محمد المتوکل نیز در تاریخ سعدیون دوران خوبی نبود و اخبار به سباستین می‌رسید. شاه پرتغال پس از طنجه بنادر مهم اسیلا و عرائش را به دست گرفت و حتی به شکار نیز وقت گذراند (de heaulme, 1854: 48). در این شرایط تحولات مراکش به کام سباستین خوش آمد. عبدالملک و احمد سعدیون با همراهی کمک‌های عثمانی موفق به تصرف مراکش شده و محمد المتوکل مجبور فرار به پرتغال شد. سباستین درخواست کمک سلطان فراری سعدیون را فرصتی مناسب برای تحقق جاه‌طلبی‌های خود می‌دانست. بر این اساس با متوکل شرط کرد که تمام سواحل مراکش و مناطق دیگری از آن به مسیحیان تعلق گیرد، ابو عبدالله متوکل این شرط را پذیرفت و به آن پایبند ماند (افرانی، ۱۹۹۸: ۵۸).

چهره دیگر نبرد، امیر مستقر سعدیون در مراکش بود. **عبدالملک** که در چالش قدرت جانشینی به نحوی توانسته بود با حمایت عثمانی‌ها بر شرایط فائق آید، اما اوضاع برای او و سعدیون مناسب نبود. چه اینکه هنوز نتوانسته بود انسجام واقعی را ایجاد کند و از طرف دیگر، دون سباستین پرتغالی با کمک سلطان فراری سعدی، آماده کارزار مهم وادی المخازن شده بود (حجی محمد، ۱۶۸۳: ۱۵۶). عبدالملک تحولات طرف پرتغالی را دنبال می‌کرد، به این امید که اوضاع را اصلاح و از جنگ قریب الوقوع جلوگیری کند. او نامه‌ای در تاریخ ۷ جمادی الاول ۹۸۶ق/ ۲۲ ژوئیه ۱۵۷۸م برای دون سباستین فرستاد و در آن امتیازات تجاری و سیاسی پیشنهاد داد تا با تطمیع‌ها، پادشاه پرتغال را به ترک جنگ علیه مراکش امیدوار کند (De Castries, 1905: 392). عبدالملک می‌خواست از طریق این پیام، پادشاه پرتغال مجبور کند که متحد خود، متوکل، را رها کند. اما پادشاه پرتغال هرگونه راه گفتگو را بست. چون

^۱ Don João III؛ دومین فرمانروای پرتغال از خاندان آویز-بژا بود. او پسر شاه مانوئل اول و ماریا آراگون - سومین دختر فرناندوی دوم، پادشاه آراگون و ایزابل یکم، ملکه کاستیل - بود.

^۲ Cardinal Don Henrique

سباستین برای حمله به مراکش آماده شد، عبدالملک برای ایجاد توازن قوا و اینکه نیروهای اروپایی را مورد آمایش قرار دهد، سفیری به پادشاه اسپانیا؛ فیلیپ دوم (حک: ۱۰۰۶-۹۶۳ق/۱۵۹۸-۱۵۵۶م) فرستاد و دوستی خود را ابراز کرد (کریم، ۱۹۷۸: ۱۰۱). فیلیپ دوم که از ماجرا باخبر شد، تلاش کرد سباستین جوان را از تصمیم حمله به مراکش منصرف کند. سباستین توجهی نکرد و کشتی‌های پرتغالی از لیسبون به صورت مرحله‌ای حرکت کرده و آماده نبرد شدند. پادشاه سباستین و همراهانش در طنجه از محمد متوکل استقبال کردند و به کشتی‌های جنگی دستور دادند تا سفر خود را به اسیله، که متوکل قبل از اخراجش از مراکش به پرتغالی‌ها واگذار کرده بود، ادامه دهند تا در جمادی الاول سال ۹۸۶ق/ ژوئیه ۱۵۷۸م به آنجا برسند (Charles, 1914: 33). عبدالملک پس از دریافت گزارش‌هایی از جاسوسانش در خاک دشمن که او را از تحرکات ارتش پرتغال و هر آنچه در فرماندهی می‌گذشت، مطلع می‌کرد، در جنوب وادی قصر کبیر، اردو زد (کریم، ۱۹۷۸: ۱۰۵). روایت‌های تاریخی در مورد تعداد لشکرهای ارتش پرتغال متفاوت است. برخی منابع اروپایی تعداد را به بیست و پنج هزار جنگجو و گزارش دیگری سخن از هشتاد هزار نفر (charrière, 1850: 722) داشته‌اند. اما منابع عربی، تعداد سپاه دشمن را صد و بیست هزار جنگجو برآورد کرده‌اند (زیانی، ۱۹۷۷: ۷۱). در تحلیل روانشناختی از نبرد می‌توان چنین استنباط کرد که مورخان اروپایی تعداد نیروهای پرتغالی را کاهش دادند تا از اهمیت پیروزی مراکشی‌ها بکاهند و برای تثبیت یک کلیشه در حافظه جمعی جامعه غربی تلاش کنند، مبنی بر اینکه ارتش پرتغال از نظر تعداد و تجهیزات ضعیف بوده است. بنابراین نظر صحیح همان است که مورد تأیید مسلمانان در مورد تعداد تقریبی است (غسانی اندلسی، ۲۰۰۲: ۷۷).

عبدالملک سعدی اعلام بسیج عمومی و جهاد برای تقابل با مسیحیان کرد و در ابتدا توانست در سواره نظام از ارتش پرتغال پیشی بگیرد (Fillias, 1860: 125). مهم‌تر از همه، عبدالملک به سازمان‌دهی و تأمین نیروی ارتش خود با کارایی زیاد دست زد (تاریخ الدوله السعديه، ۱۹۹۴: ۵۳). سلطان به خوبی می‌دانست که وادی المخازن یک گذرگاهی دارد، براین اساس سپاهی به فرماندهی برادرش احمد، مامور کرد تا آن گذرگاه را تحت نظر داشته و راه فرار و عقب‌نشینی پرتغالی‌ها را مسدود کنند (اعراب، ۱۹۷۸: ۹۲). چند ساعت قبل از رویارویی و درگیری، گردان‌ها در مواضع خود قرار گرفتند. به طایفه‌داران ارتش پرتغال علامت حمله صادر و آنها به جناح چپ مسلمانان حمله کردند (۹۸۶ق/۱۵۷۸م). اولین درگیری منجر به شکسته شدن خط مقدم مراکش شد. سپس عبدالملک ابتکار عمل را به دست گرفت و حرکت کرد و راه را برای لشکر خود باز نمود (تاریخ الدوله السعديه، ۱۹۹۴: ۶۱). دو سپاه به هم خوردند، جمعیت به جان هم افتادند، نبرد سختی درگرفت (Fillias, 1860: 124). عبدالملک به سرعت لشکریان خود را سازمان‌دهی و دستور حمله داد (افرانی، ۱۸۸۹: ۷۵) اما در میانه نبرد دچار بیماری شد. پزشک به سرعت نزد او رفت و وانمود کرد که دارد به او کمک می‌کند (تاریخ الدوله السعديه، ۱۹۹۴: ۶۱). در میدان نبرد شایعه‌ای پیچید که خلیفه را مسموم کرده‌اند (عمرانی، ۱۹۶۴: ۴۷). پزشک عبدالملک به نزد احمد، برادر عبدالملک، رفت تا موضوع مرگ سلطان را به او بگوید و دستور داده شد که آن را مخفی نگه دارد (De Castries, 1905: 317-318). این امر یکی از ابتکارات مهم مدیریت بحران محسوب می‌شود. احمد فرماندهی فوری نیروها را بر عهده گرفت و لشکرکشی گسترده‌ای علیه مسیحیان از سمت راست آغاز کرد و تلفات سنگینی به آنها وارد نمود. ورق برگشت و نیروهای پرتغالی دچار شکست شدیدی شدند. نقش احمد در این برهه بسیار کلیدی و مهم بوده است و توانست نتیجه را به نفع سعدیون برگرداند. او «نبرد بزرگی را پشت سر گذاشت و تنها سه ساعت طول کشید که در میان کشته‌ها و زخمی‌ها و

1. Felipe II

اسیران باقی ماند که خدا او را حفظ کرد» (ابن القاضی، ۱۹۷۱: ۲/۲۲۴). محمد المتوکل وقتی شکست را دید، با تعداد زیادی از سوارکاران گریختند و در نتیجه در دریا غرق شدند (اعراب، ۱۹۷۸: ۹۳) و پادشاه پرتغال نیز بر اثر دو زخمی که برداشت، درگذشت (نکروف، ۱۹۸۷: ۱۹۲؛ تاویت، ۱۹۷۸: ۵۰). اردوگاه پرتغال غارت شد و بیشتر جنگجویان و اشراف اسیر شدند (De la veronne, 1961: 475).

چهره اصلی نبرد وادی المخازن، أحمد بود. احمد برادر کوچکتر عبدالملک تقریباً ناشناخته و نقش معاون سلطان در نبرد را داشت. شکوه و عظمتی که در این نبرد برای خود به دست آورد او را جاودانه ساخت. به طرز چشمگیری، احمد در میدان نبرد، المنصور و سلطان لقب گرفت (فشتالی، ۱۹۷۲: ۲۵) و همه به او احترام گذاشته و ارج نهادند. حضور سعدیون در جبهه نبرد با اروپاییان که مدعی سیاسی سعدی محمد المتوکل را نیز به همراه داشت، شرایط خاصی ایجاد کرده بود. در این میان، سلطان اصلی نبرد؛ عبدالملک چون در اثر بیماری از دنیا رفت، شرایط به سمت بحران پیش رفت. وضعیت بحرانی بنا به تعریف، هدف‌ها و ارزش‌های حیاتی سازمان و جامعه مورد تهدید واقع شده، زمان برای واکنش و تصمیم‌گیری عقلانی محدود و عوامل تصمیم‌گیرنده را با بروز ناگهانی خود غافلگیر می‌کند (کاظمی، ۱۳۷۶: ۵۳). در این میان پاسخ فوری و فوق‌العاده نیاز به مدیریت بحران، علم و هنر برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت و رهبری به صورت یکپارچه، جامع و هماهنگ است که با بهره‌گیری از ابزارهای در اختیار تلاش می‌کند خطرات ناشی از بحران را کنترل کند. براین اساس فرایند مدیریت بحران تا مرحله عادی سازی و بازسازی پس از آن نیز ادامه می‌یابد (رضائیان، ۱۳۸۷: ۵۱۷).

۲.۲. پیروزی و نتایج آن

وادی المخازن به «نبرد سه حاکم» معروف شد (فشتالی، ۱۹۷۲: ۴۸)، زیرا سه حاکم در آن جان خود را از دست دادند. به دنبال وقایعی که اتفاق افتاد، احمد پس از اینکه رشادت خود را در مدیریت بحران نبرد نشان داد و شجاعانه در میدان نبرد حضور داشت، سعدیون با احمد المنصور بیعت کرده و برخی آن را بر مبنای حکمت الهی تعبیر کرده‌اند (ابن القاضی، ۱۹۷۱: ۲/۲۲۵). آنچه از منظر مدیریت بحران امروزه مورد توجه است، آمادگی با شرایط نبرد بوده که به تعبیر منابع اروپایی، مراكشی‌ها از آمادگی بهتری برای مقابله با این نبرد برخوردار بودند و باعث شد که پرتغالی‌ها به فکر عقب نشینی و شکست منجر شود (بوشرب، ۱۹۸۳: ۱۲۶). مسئله بعدی در آرایش نظامی و نظم نیروهای مراكشی بود و اینکه دستمزد خود را پیشاپیش و سخاوتمندانه دریافت کرده و در آمادگی کامل برای نبرد بودند (دی هنین، ۱۹۹۷: ۱۸۲).

نبرد وادی المخازن به سبب نتایج و تاثیراتی که از خود به جای گذاشت، در گزارشات از آن به «پیروزی بزرگ» (افرانی، ۱۹۹۸: ۱۳۹) یاد شد و اینکه «مردم اغلب این نبرد را ستایش می‌کردند و اخبار آن در سراسر کشور پخش می‌شد و ذکر آن بر زبان همه جاری می‌گشت» (ابن قاضی، ۱۹۸۶: ۱/۲۴۶). جدا از مدیریت بحران سعدیون در نبرد وادی المخازن، استفاده از سلاح گرم مانند تفنگداران و توپ جنگی (افرانی، ۱۹۹۸: ۱۴۰) و حضور برخی مشایخ صوفیه چون ابوالمحاسن فاسی (همان، ۱۴۱) نیز تاثیر زیادی داشته است. شکست پرتغال منجر به سلطه حاکمیت اسپانیا شد. منابع پرتغالی از آن به عنوان «فاجعه غم‌انگیز پرتغال» و «عقب‌گرد» یاد کرده‌اند (دی صالدانیا، ۲۰۱۱: ۳۴). مورخ پرتغالی با تأسف عمیق و ژرف از این موضوع صحبت می‌کند و می‌گوید: «عبدالملک، کسی که شاه سباستین را شکست داد، و آنچه در آن زمان جلال، شکوه و عظمت پرتغال بود. بنابراین، لازم است تا حد امکان به آنچه قبل از آن اتفاق افتاده است برگردیم تا آن خاطرات را زنده کنیم، زیرا قصد ندارم بدبختی‌ها و مصائبی را که با آن شکست همراه بود،

بازگو کنم» (همان، ۲۲). جایی دیگر پرتغالی‌ها تلاش کرده‌اند شکست را به عنوان یک مجازات الهی اجتناب ناپذیر تعبیر کنند (بوشرب، ۱۹۸۳: ۱۲۱). منابع اشاره به منافع و غنایمی دارند که در میانه این نبرد نصیب مسلمانان شد و احمدالمنصور سلطان جدید به خوبی توانست از آن برای اقتدار خود سود برد (تاریخ الدوله السعديه، ۱۹۹۴: ۶۵) پرتغالی‌ها در این نبرد حدود بیست و دو عراده توپ و هفتصد وسیله جنگی و مقادیری کالای ارزشمند و گرانها از دست دادند (تازی، ۱۹۸۸: ۱۰۷/۸).

هر نبردی علاوه بر مسائل تاکتیکی و جنگاورانه، مجموعه‌ای از احساسات و عواطف طرفین نبرد را نیز شامل می‌شود اگرچه مشهود نیست. این امر را می‌توان از دل روایت‌های تاریخی استخراج کرد و چندان راحت به نظر نمی‌رسد. سپاه مسلح و منظم پرتغالی‌ها با اسب‌های زره‌پوش، ترس را به مراکشی‌ها القا می‌کرد (تاریخ الدوله السعديه، ۱۹۹۴: ۶۱). آنچه در این میان توانست، انگیزه و شجاعت را به سپاه تزریق کند، سلطان سعدیون، المعتصم بود که با عزم راسخ بر ترس مردم غلبه کرد. در اینجا مدیریت بحران به خوبی شکل گرفت که به لحاظ روانی و روحی، سلطان سعدیون توانست ذهن‌ها را آماده نبرد کند. او با تقویت ایمان، افراد بسیاری را از نقاط مختلف آفریقا برای جنگ ترغیب کرد و داوطلبانه به او پیوستند (افرانی، ۱۹۹۸: ۱۴۰). شجاعت و قاطعیت سلطان سعدی تا لحظه مرگ کاملاً مشهود بود و حتی با وجود بیماری از میدان خارج نشد. مسئله بعدی به پناهندگی شاهزاده سعدیون، محمد متوکل بازمی‌گشت، که همراه سباستین به میدان نبرد گام نهاده بود، همین امر یکی از دلایل همبستگی و ایجاد روحیه نبرد در میان مراکشی‌ها شد (تاریخ الدوله السعديه، ۱۹۹۴: ۶۴).

در مقابل، پرتغالی‌ها به دلیل پیروزی‌های مستمر و دستاوردهایی که با وجود جمعیت کم خود به دست آورده بودند، نوعی اعتماد به نفس بیش از حد را احساس می‌کردند، سباستین؛ پادشاه پرتغال کاملاً مطمئن بود که مغربی‌ها قادر به مقابله با او نیستند و از ارتش پرتغال شکست خواهند خورد. این امر باعث شد که او تمام هشدارهایی را که از برخی مشاوران و دولتمردان خود دریافت کرده بود و ضعف نقشه‌ها و تمهیدات نظامی خود را نادیده بگیرد (De Castries, 1905: 300). اندکی پس از شروع نبرد که برتری سعدیون آشکار شد، ترس بر اروپاییان غلبه یافت و به شکست منجر گشت. حتی اروپاییان نتوانستند از فرصت بیماری و مرگ المعتصم استفاده کنند و این مغربی‌ها و سلطان احمد بودند که مدیریت بحران کرده و پیروزی را قطعی کنند. جهت شناسایی مدیریت بحران سعدیون در وادی المنخازن برخی از مواردی که آنها را در این امر کمک کرد، می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

الف) برنامه‌ریزی و تعیین استراتژی (شناسایی اولیه)

سعدیون پس از رفع مشکلات داخلی و سامان دادن به اوضاع، می‌دانستند که با دولت‌های اروپایی مواجه خواهند شد و سیاست مناسبی در خصوص نبرد و نحوه مواجه شدن با آن اتخاذ کردند. اعلان جهاد و مواجه شدن با دشمن، نوعی قدرت‌نمایی و روشی پیشگیری از حمله متهورانه بوده است که به خوبی صورت گرفت.

ب) سازماندهی نیروی انسانی (مرحله حاد و مزمن)

به طور قطع یکی از ارکان اصلی نبردها، نیروی انسانی و سازماندهی آن بوده است. حضور امرای سعدی به صورت فرماندهی، مهمترین سازماندهی نیروی انسانی بوده است. براساس گزارشاتی که ارائه شد، تعداد نیروی انسانی دشمن بیشتر بود و نیاز به برنامه‌ریزی دقیق داشت. نوع استفاده از روش جنگی و سلاح گرم در برابر دشمن مسلح نیز مهارت نیاز داشت که سعدیون به خوبی مدیریت کردند. مخفی نگه داشتن مرگ سلطان سعدی، اوج هنر مدیریت بحران و جلوگیری از هرج و مرج در میانه میدان نبرد بود.

ج) بازیابی و پیشگیری (تجزیه و تحلیل)

سعدیون پس از پیروزی در وادی المخازن، مغرور نشده و به مقابله با اقدامات دشمن پرداختند در این مرحله بیشتر حالت تدافعی داشته و با حفظ آرامش، شرایط را به حالت عادی برگرداندند.

مدیریت بحران قبل از نبرد (شناسایی اولیه)	مدیریت بحران حین نبرد (مرحله حاد و مزمن)	مدیریت بحران پس از نبرد (تجزیه و تحلیل)
پایان دادن به بحران جانشینی و مشکلات داخلی	گزینش سیاست نبرد و تاکتیک مناسب	ایجاد آرامش و عدم غرور از کسب پیروزی
رویارویی مستقیم با دشمن و تقویت ایمان	استفاده از هوشمندی مواجهه با شایعه	مقابله با اقدامات پیشگیرانه دشمن
استفاده از ابزار دیپلماسی	پنهان کردن خبر مرگ سلطان و دعوت به مقاومت	اعلان پیروزی به سرزمین-های مجاور
جنگ روانی و کسب اطلاعات از دشمن	انتخاب سلطان جدید و مواجهه سریع و توان بالا با دشمن	استفاده از تجهیزات و اسرای نبرد

مدیریت بحران دولت سعدیون بر اساس نظریه فینک

نتیجه‌گیری

تجارت، دریانوری و حاکمیت سیاسی در قرن شانزدهم میلادی برای کشورهای اروپایی و دولت‌های اسلامی حاضر در منطقه مدیترانه و مغرب بسیار اهمیت داشت. اروپاییان در این زمان با وجود قدرت‌گیری عثمانی در منطقه شرق، شمال آفریقا و مغرب را تنها پایگاه خود در نظر می‌گرفتند. با این وجود ظهور دولت سعدیون و حاکمیت شرفاء، چالش‌هایی را برای جاه‌طلبی‌های پرتغالیان ایجاد کرد. دولت سعدیون با مدیریت بحران و برنامه‌ریزی دقیقی که داشتند، موفق شدند به مواجهه با اروپاییان در وادی المخازن سربلند بیرون آیند. این امر برای آنها فرآیندی را در برمی‌گرفت که آمادگی ذهنی و حضور به موقع در میدان نبرد را شامل می‌شد. اهمیت این رویداد تاریخی از آن جهت بیشتر مشهود است که تحولات دولت‌ها را در مسیر دوران جدید قرار می‌داد. استفاده از ابزار آلات نظامی جدید چون توپ جنگی و ایجاد مناسبات دیپلماتیک و روابط سیاسی متنوع از ویژگی‌های این دوران محسوب می‌شود. اروپاییان با حضور پرتغال به دنبال آن بودند که از ضعف سیاسی سعدیون سود جسته و علی‌رغم دور بودن عثمانی‌ها، نفوذ سیاسی خود را در مغرب تثبیت کنند و بر بندرهای مهم منطقه تسلط یابند. در طرف مقابل نیز دولت سعدیون که با گفتمان سیاسی خاص شرفاء و تاکید بر اندیشه مذهبی شکل گرفته بود، درگیر مشکلات جانشینی و نزاع‌های تاج و تخت بودند. همین عاملی شد که سببستین کشورهای اروپایی را متقاعد کند تا با ایجاد لشکرکشی به منطقه قصرالکبیر با او همراهی کنند. سعدیون نیز با استفاده از ایمان دینی و نفوذ صوفیان و چهره‌های مذهبی اعلام جهاد کرده و به تقابل شتافتند. اوج هنرنمایی و مهارت مدیریت بحران دولت سعدی در میدان نبرد خود را نشان داد. جایی که سلطان حاضر، عبدالملک دچار بیماری و مرگ شده و ضعف مغربی‌ها به لحاظ تجهیزات و تعداد نفرت مشخص بود. اما دولت سعدیون موفق شدند، مرگ سلطان را پنهان کرده و احمد را جانشین معرفی نموده و شکست را به

پرتغالی‌ها تحمیل کنند. این شکست آنقدر برای اروپاییان ناباورانه بود که تا مدت‌ها از آن اجتناب می‌کردند. دولت سعدیون به واسطه همین پیروزی وارد عرصه جهانی گشت و در دنیای مدرن تعاملات زیادی با اروپاییان برقرار کرد. احمد المنصور پیروزمندانه بعد از این اتفاق، دوران جدیدی برای دولت سعدیون در مغرب رقم زد.

منابع

- ابن احرمر، ابوالولید اسماعیل بن یوسف (۱۹۹۲). *النفحة النسرینیة و المحه المرینیة*، دمشق: دارالسعدالدین.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۹۵۹). *العبر و دیوان المبتداء و الخبر*، بیروت: دارالکتاب البنانی.
- ابن قاضی، احمد (۱۹۷۱). *دره الحجال فی اسماء الرجال*، ج ۲، تحقیق محمد الاحمدی ابوالنور، قاهره: دارالتراث.
- ابن قاضی، احمد (۱۹۸۶). *المنتقى المقصور على مآثر الخليفة المنصور*، ج ۱، درسه و تحقیق محمد مرزوق، رباط: مکتبه المعارف.
- ابوخلیل، شوقی (۱۹۹۳). *وادی المخازن*، دمشق: سوریا؛ دارالفکر.
- احمدی، مسعود (۱۳۸۵). *مبانی سازمان و مدیریت*، ساری: پژوهش‌های فرهنگی.
- اعراب، سعید (۱۹۷۸). «موقعه وادی المخازن و اندرچار الصلیبیه بالمغرب»، فی *مجله دعوة الحق*، عدد ۸.
- افرائی، محمدالصغیر بن الحاج (۱۹۹۸). *نزهة الحادی باخبار ملوک القرن الحادی*، تحقیق و تقدیم عبداللطیف الشاذلی، رباط: دارالبيضاء مطبعة النجاح الجديدة.
- بوشرب، احمد (۱۹۸۳). «معركة وادی المخازن من خلال كتاب حملة الملك دون سباستين على افريقيا لمولف برتغالی مجمول»، *مجله المناهل*، العدد ۲۸. السنة العاشرة.
- *تاریخ الدولة السعدیه الدرعیه التکمدارته* (۱۹۹۴). تقدیم و تحقیق عبدالرحیم بنحاده، مراکش: دارتینمل للطباعة و النشر.
- تازی، عبدالهادی (۱۹۸۸). *التاریخ الدیپلوماسی للمغرب*، ج ۸، المحمدیه: مطابع فضاله.
- الجمل شوقی، عطا الله (۱۹۷۷). *تاریخ المغرب العربی الکبیر*، قاهره: مکتبه الانجلو المصریه.
- حجی محمد (۱۹۸۳). «العلاقات المغربیه العثمانیه فی القرن السادس عشر»، *مجله التاریخیه المغربیه*، ع ۳۰، تونس.
- حرکات، ابراهیم (۱۹۸۷). *السیاسه و المجتمع فی العصر السعدی*، بیروت: دارالبيضاء.
- حرکات، ابراهیم (۲۰۰۰). *المغرب عبرالتاریخ*، بی جا: دارالرشاد الحدیثه.
- *الحلل الموشیه فی ذکر الأخبار المراكشیه* (۱۹۷۹). تحقیق سهیل زکار، مغرب: الدار البيضاء.
- خان احمدی، لیلا (۱۴۴۴ق). «دور الطرق الصوفیه فی إحياء سلطة الشرفاء فی المغرب الإسلامی فی القرن العاشر الهجری» *مجله آفاق الحضاره الاسلامیه*، الربیع و الصيف ۱۴۴۴، العدد ۵۱، ۹۵-۱۱۴.
- دی صالدانیا، آنطونیو (۲۰۱۱). *اخبار احمد المنصور سلطان المغرب*، تقدیم و ترجمه و تحقیق؛ ابراهیم بوطالب و عثمان المنصوری و لطفی بوشنتوف، رباط: الجمعیه المغربیه للتالیف و ترجمه و النشر.
- دی هنین، خورخی (۱۹۹۷). *وصف الممالک المغربیه ۱۶۰۳-۱۶۱۳*، ترجمه عبدالواحد اکمیر، رباط: منشورات معهد الدراسات الافریقیه.

- رضائیان، علی (۱۳۸۷). مبانی سازمان و مدیریت، تهران: سمت.
- زبانی، ابوالقاسم بن احمد بن علی بن ابراهیم (۱۹۷۷). الترجمان المغرب عن دول المشرق و المغرب، ترجمه للفرنسیه، فی مجله الغرب الاسلامی و المتوسط، آن بروفانس، عدد ۲۳.
- صلابی، علی محمد (۲۰۰۱). الدوله العثمانیه، عوامل النهوض و اسباب السقوط، مصر: دار التوزيع و النشر الاسلامیه.
- عمران بن عامر السعدی، عبدالرحمن بن عبدالله (۱۹۸۱). تاریخ السودان، طبعه هوداس، باريس: المكتبه الامریکیه و الشرق.
- عمرانی، عبدالله (۱۹۶۴). «معركه القصر الكبير»، فی مجله دعوه الحق، عدد ۱۰.
- غسانی الاندلسی، محمد (۲۰۰۲). رحله الوزير فی افتتاحک الاسیر، تحقیق نوری الجراح، ابو ظبی: دار السویدی.
- غنیمی، عبدالفتاح مقلد (۱۹۹۴/۱۳۶۳). موسوعة تاریخ المغرب العربی، قاهره: مكتبة مدبولی.
- فاسی، محمد (۱۹۷۸). «احتلال البرتغالیين للثغور المغریبه»، فی مجله دعوه الحق، عدد ۸.
- فاسی، محمد العربی (۲۰۰۸). مرآة المحاسن من اخبار الشيخ ابی المحاسن، تحقیق محمد حمزه الكتانی، بیروت: دار ابن حزم.
- فرید بک، محمد (۲۰۰۹). تاریخ الدوله العلیه العثمانیه، قاهره: مكتبه الآداب.
- فشتالی، عبدالعزيز (۱۹۷۲). مناهل الصفا فی مآثر موالینا الشرفا، دراسه و تحقیق عبدالکریم کریم، رباط: مطبوعات وزاره الاوقاف و الشؤون الاسلامیه و الثقافه.
- قادری، محمد بن طیب (۱۹۷۷). نشر المثنائی لاهل القرن الحادی عشر و الثانی، تصحیح: محمد حبی، احمد التوفیق، رباط: دار المغرب.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۶). مدیریت بحران های بین المللی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- کریم، عبدالکریم (۱۹۷۸). المغرب فی عهده الدوله السعدیه، رباط: مغرب، جامعه محمد الخامس.
- لاپیدوس، ایرام (۱۳۷۶). تاریخ جوامع اسلامی از آغاز تا قرن ۱۸م، ترجمه محمود رمضان زاده، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ناصری، ابوالعباس احمد بن خالد (۱۹۵۵). الاستقصاء لأخبار دول المغرب الاقصی، تحقیق جعفر الناصری و محمد الناصری، مغرب: دارالکتاب و الدار البیضاء.
- نبیل ملین، محمد (۲۰۱۳). السلطان الشریف؛ الجذور الدینیة و السیاسیه للدوله المخزنیة فی المغرب، ترجمه، عبدالحق الزموری و عادل بن عبدالله، رباط.
- نکروف، یونس (۱۹۸۷). معركه وادی المخازن بین الملوک الثلاثه، تعریب، وفاء موسی و حسین حیدر، بیروت: منشورات عویدات.
- هلالی، ابراهیم (۲۰۰۱). حضاره مراکش و الاشعاع الفکری لجامعه ابن یوسف، تصحیح، محمد حبی، مراکش: المطبعة و الوراقه الوطنیه.
- Chantal, de la veronnede (1961). *Les Sources Inédites de l'Histoire du Maroc*, 1ère série - Dynastie Saadienne, Archives et bibliothèques d'Espagne, Tome III, Paul Geuthner.

- Charrière Ernest (1850). *Négociations de la France dans le levant*, T3, imprimerie impériale, paris .
- Diego de Haedo, Fray (1881), *Histoire des rois d Alger*, traduite H,D Grammont, Alger.
- Fillias, M. A (1860). *Lespagne et Le Maroc en 1860*, Poulet Malassin et De Broise , Paris.
- Fink, Steven (1986). *Crisis Management: Planning for the Inevitable*, American Management Association.
- Godard Léon (1860). *Description et histoire du Maroc, Editeur Librairie pour L art Militaire Et les sciences*, S.D, paris.
- Henry, de Castries (1905). *les sources inedites du Lhistoire du maroc 1530-1845*, dynastie Saadienne,Archive et bibliotheques de France, T1, Paris.
- Louis,Charles (1914). *les jésuites dans les Etats barbaresques Alger et Maroc*, boston Collège, libray, S,D, paris.
- Victor de heaulme (1854). *Dom Sébastien de Portugal les muysterre de la bataille,1578*, Paris.